خبرها

شبیه‌سازی: پدیده مجرمانه یا حق انسان

محمدجعفر ساعد دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی که در بیست و هشتمین نشست تازه‌های علوم جنایی در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی درباره «شبیه‌سازی انسان از آموزه های اخلاقی تا آموزه‌های کیفری» سخن می گفت درباره دیدگاه موافقان شبیه‌سازی گفت: «یکی از دلایلی که موافقان شبیه‌سازی مطرح می‌کنند این است که حق آدمی است که از این روش در راستای اهداف مشروع خود استفاده کند.»

وی با طرح این پرسش که اگر بپذیریم با توسل به حق آزادی کودکی متولد شد اما این کودک دارای اختلالات فیزیکی، عاطفی، روانی باشد چه کسی مسئول است؟ و اگر به علت اختلالات روانی به بزه روی آورد چه کسی را می‌توان مسئول دانست؟ ساعد به حق وجود هستی اشاره کرد و گفت: «طرفداران این نظریه استدلال می کنند که خود هست شدن اولین منفعتی است که سایر منافع از این پدیده شامل سالم بودن، سلامت و بهروزی به آن وابسته است و باید خود هست شدن مورد توجه قرار بگیرد و سپس مسائلی همچون اختلالات رشدی و ژنتیکی مطرح می‌شوند.»

این جرم‌شناس با یادآوری دغدغه‌های روانی، رویکردهای اخلاقی و خطرات احتمالی ژنتیکی در محصول شبیه‌سازی تاکید کرد: «زنان به عنوان میانجی، درگیر این پدیده می‌شوند که این خود دارای مشکلات روانی است. فمینیست‌ها معتقدند که با اعمال شبیه‌سازی انسان، مردها بی‌نیاز از زنان می‌شوند و آرمان نخستین زن که تولیدمثل و زایش است از میان می‌رود و این امر باعث تحمیل مشکلات روانی، عاطفی و خانوادگی به سطح جامعه می‌شود.» وی در ادامه سخنان خود به موضوع هویت، ساخت، بهسازی نژادی خانواده و جامعه پرداخت و در بیان دیدگاه مخالفان گفت: «مخالفان می‌پرسند که در پی اعمال این پدیده، انسان‌ها چگونه خود را تعریف می‌کنند و آیا انسان به عنوان یک هویت واجد یک حق است یا خیر؟ و آیا شبیه‌سازی انسان این حق را نقض می‌کند؟ تولیدمثل انسان می‌تواند به ساختن انسان دیگری منجر شود. منظور این است که افراد بسیاری در پی الگوهای ژنتیکی ساخته می‌شوند و والدین می‌توانند با اعمال این پدیده نوع کودک خود را انتخاب کنند و این در صورتی است که اگر از منظر حقوق بشر وارد شویم کرامت انسانی هیچ وقت اجازه نمی‌دهد که به هویت و فردیت افراد خدشه وارد شود.»

ساعد با بیان بخش دیگری از دیدگاه مخالفان افزود: «پدیده شبیه‌سازی باعث ایجاد اختلال در روابط خانوادگی می‌شود، یک فرزند به دنبال گرفتن سلول بنیادین پدر به وجود می‌آید. رابطه این فرد با پدرش سئوال‌برانگیز است چرا که از یک طرف فرزند اوست و از طرف دیگر دوقلوی پدرش است و این در حالی است که به لحاظ حقوقی مشکلاتی مثل ارث در این میان مطرح است.»

وی به چالش پیش روی شبیه‌سازی از دیدگاه حقوق بین‌الملل، حقوق خصوصی و به ویژه حقوق کیفری اشاره کرد و گفت: «غالب کشورها معتقدند که اعمال شبیه‌سازی انسان باید منع شود که گروهی به منع مطلق این پدیده اعتقاد دارند و آن را مغایر با شعار هزاره سوم که کرامت انسانی را محور قرار داده است می‌دانند، اما گروهی دیگر شبیه‌سازی تولیدمثلی را منع می‌کنند ولی اهداف درمانی آن را می‌پذیرند.»

کاهش زمان ملاقات مادر و فرزند

دکتر علی صابری*

از نظر قانون ابزار نظارت بر تصمیمات دادگاه‌ها، مرجع عالی نسبت به مرجع تالی (پایین‌تر) است اما شیوه موثر دیگری که تصمیمات قضایی را به گونه‌ای مبنایی مورد حلاجی و بازبینی قرارداده و به نوعی با بی طرفی و خارج از چارچوب‌های کاملاً مشخص و غیرمنعطف اداری، رویکردی اصلاحی نسبت به احکام قضات دارد، «نقد آرا» است. روزانه آرای بسیاری در مجموعه دادگستری صادر می‌شود که در هیچ کجا بازتابی ندارند (و این امر تا حدود زیادی طبیعی است). انعکاس برخی از آنها در نشریات عمومی و گاه تخصصی می‌تواند باعث شود که قضات خود را در معرض داوری دیگران ببینند، تا تشویقی برای صاحبان آرای صحیح و متقن و شروعی برای اصلاح تصمیم‌های ضعیف باشد. با این هدف متن یکی از آرای دادگاه تجدیدنظر استان قم را با هم می‌خوانیم:

■ رای دادگاه

درخصوص تجدیدنظرخواهی آقای رضا به طرفیت خانم زهرا از دادنامه صادره از شعبه دادگاه عمومی (خانواده) قم، که به موجب آن در هر هفته یک نوبت از ساعت پنج بعدازظهر روز پنجشنبه تا پنج بعدازظهر روز جمعه وقت ملاقات برای تجدیدنظر خوانده (مادر) تعیین شده است، پس از ابلاغ دادنامه در مهلت قانونی مورد اعتراض و تجدیدنظرخواهی نامبرده قرار گرفته و پرونده جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع شده است که با توجه به مندرجات اوراق پرونده و ملاحظه لوایح طرفین دعوی و نظر به اینکه تعیین وقت ملاقات فرزندان مشترک در هر هفته ۲۴ ساعت متناسب به نظر نمی‌رسد و رای بدوی از این حیث مخدوش است، بنابراین به استناد ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی ضمن نقض رای تجدیدنظر خواسته، درخصوص وقت ملاقات فرزند مشترک و تعیین وقت ملاقات به مدت ۶ ساعت (از ساعت ۹ صبح تا ۳ بعدازظهر روز جمعه) در هر هفته، در سایر موارد دادنامه تجدیدنظر خواسته خالی از اشکال بوده و تایید می‌شود. این رای قطعی است.

■ نقد رای

گذشته از ضعف آشکار رای مبنی بر عدم توجه صادرکنندگان آن نسبت به وضعیت روحی و عاطفی و حق مسلم مادر؛ ملاقات فرزند خود (با استفاده از مفاهیم ریاضی حق ملاقات فرزند برای پدر در طول ساعات هفته ۹۶/۵ درصد و مادر ۳/۵ درصد خواهد بود) که البته این بخش محل بحث‌ها نیست، رای مذکور دارای ایرادات دیگر هم هست:

– مطابق اصل ۱۶۶ قانون اساسی «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.»

همچنین برابر ماده ۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی «دادگاه‌ها مکلفند در مورد هر دعوی به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی حکم صادر کنند.» اینک پرسش این است که مفهوم رای مستدل چیست؟ و مشخصات رای مستند کدام است؟

رای

به غیر از «مقدمه» رای دادگاه دارای دو جزء بسیار مهم و اساسی است:

الف ـ بخشی که در آن قاضی با توجه به جهات موضوعی (دلایل طرفین یا اوضاع و احوال خارجی) و جهات قانونی (نصوص و مفاد قوانین و اصول) و تلفیق آنها به عبارتی «اسباب موجهه» حکم خویش را احراز می‌کند. این قسمت مهمترین جزء رای به حساب می‌آید زیرا بخش قبلی (مقدمه) مدخلی است برای ورود به این قسمت و بخش بعدی نتیجه‌ای است که از این جزء گرفته می‌شود. پس رای زمانی مستدل محسوب می‌شود که دارای اسباب موجهه باشد. در رای مورد بحث ما هیچ گونه استدلالی برای تغییر ساعت ملاقات فرزندان از ۲۴ ساعت به ۶ ساعت مشاهده نمی‌شود. نه دلیلی از طرف تجدیدنظرخواه مبنی بر لزوم کاهش وقت ملاقات ارائه شده است و نه دادگاه محملی قانونی یا خارجی (اوضاع و احوال و قرائن) برای این تقلیل ارائه کرده است. در واقع دادگاه در این مورد بسان حاکمان رفتار کرده و نه دانشمندان. (این تعبیر را از استاد ارجمند دکتر کاتوزیان در نقد یکی از آرای دیوان عالی کشور وام گرفتم.)

ب ـ بخش نتیجه یا منطوق حکم: بعد از مشخص شدن اسباب موجهه، قاضی اقدام به انطباق موضوع با یکی از مواد قانونی (و در صورت لزوم اصول حقوقی) می‌نماید. ایجاد منطوق حکم نتیجه این فرآیند است که مساوی است با استناد. معنای مستند بودن حکم همین است. هر چند در رای به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان مستند نقض رای اشاره شده است اما با مطالعه ماده ۳۴۸ که جهات نقض آرا در آن احصا شده است پی به استناد غلط دادگاه می‌بریم. زیرا هیچ یک از موارد نقض مندرج در ماده پیش گفته مطابقتی با مورد حکم ندارد. اصلاً دلیل ردی ذکر نشده است تا برای آن استناد قانونی هم عنوان شود. ماده ۳۴۸ «جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است: الف– ادعای عدم اعتبار مستندات دادگاه؛ ب– ادعای فقدان شرایط قانونی شهادت شهود؛ ج– ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی؛ د– ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادرکننده رای؛ ه– ادعای مخالف بودن رای با موازین شرعی و یا مقررات قانونی.

نتیجه آن که در مورد این رای اصولاً نمی‌توان وارد داوری خوب و بد شد چرا که خواننده استدلالی ملاحظه نمی‌کند تا بر مبنای آن بتواند گفت‌وگوی ذهنی با قاضی پرونده انجام دهد و بعد دلایل وی را به محک نقد کشد. شاید انعکاس این آرا و داوری عمومی درباره آنها موجب شود از تعداد روزافزون اینگونه تصمیمات کاسته شده و آرایی مستدل داشته باشیم تا از آن پس بتوانیم استدلال صحیح از نادرست را بازشناسیم.

*وکیل پایه یک دادگستری

تابعیت از دست رفته

نعمت احمدی

در هفته‌های گذشته در گیرودار تلاطم پرونده هسته‌ای و نوشتن نامه ریاست جمهوری به رئیس جمهور آمریکا و دغدغه انتخابات مجلس خبرگان فرصتی در مجلس شورای اسلامی از دست رفت که باید بر این فرصت از دست رفته غبطه خورد، مجلس شورای اسلامی درصدد آن بود که تابعیت طفلی را که از مادر ایرانی متولد شده است نیز به‌عنوان تبعه ایرانی به رسمیت بشناسد. برابر ماده ۹۶۴ قانون مدنی روابط بین ابوین و اولاد تابع قانون متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود. علاوه بر آن حسب ماده ۹۷۶ قانون مدنی که افراد تابعه ایران را برمی‌شمارد فقط فرزندانی که پدر آنها ایرانی باشد اعم از اینکه در ایران متولد شده باشند یا در خارجه ایرانی می‌شمارد. البته موارد خاصی ذیل ماده ۹۷۶ آمده که مقررات عام این ماده را در شرایطی تخصیص می‌زند و یا ماده ۹۷۹ شرایط خاصی را برای پذیرفتن تابعیت ایرانی در نظر گرفته است. ولی موضوع مورد نظر این نوشتار بحث دیگری است که با تاسف رای لازم نمایندگان را کسب نکرد. بیش از ۳۰ سال است که اتباع کشور افغانستان به لحاظ موقعیت کشور خود به ایران رفت و آمد می‌کنند. با نبود آمار واقعی نمی‌توان از تعداد افاغنه ساکن در ایران گفت‌وگو کرد اما استان‌های شرقی و جنوب شرقی و بعضاً مرکزی ایران از نیروی کار افغانی انباشته است. از طرفی حضور مستمر و دائمی این افراد که بعضاً متولد ایران هم هستند با تکیه بر همزبانی و هم‌دینی و وجود مشترکات فرهنگی و دینی باعث شده که تعداد زیادی از این افاغنه در ایران ازدواج کنند و تعداد پسران ایرانی که با دختران افغانی ازدواج کرده‌اند کمتر مورد اشکال و ایراد واقع شود هر چند به ظاهر این ازدواج‌ها کم هستند اما ازدواج مردان افغانی با زنان و دختران ایرانی هم از نظر تعداد و هم از نظر آسیب‌های اجتماعی به شدت بحث‌انگیز است. مضافاً به اینکه در ازدواج پسر ایرانی با دختر افغانی اگر فرزندی به دنیا بیاید هم برابر قوانین موجود اشکال اساسی پیدا نخواهد شد. هر چند موضوع ازدواج و ثبت واقعه ازدواج با زنان افغانی که عموماً فاقد شناسنامه هستند محل بحث است اما ازدواج مردان افغانی با دختران و زنان ایرانی که عموماً ثبت نمی‌شود و مهم‌تر اینکه با وقوع اختلاف بین زوجین ممکن است شوهر، زن ایرانی و فرزند بدون شناسنامه و هویتش را رها کند مسئله بغرنج و دردسرآفرینی است عوامل متعددی دست به دست هم داده است تا زنان و دختران ایرانی با مردان افغانی ازدواج کنند. فقر، بالا رفتن سن ازدواج در مردان، تطمیع خانواده ایرانی، عدم برخورد مقامات مسئول و یا بهتر بگوییم عدم امکان برخورد با اینگونه ازدواج‌ها و عوامل دیگری دست به دست هم داده و امروزه فرزندان زیادی حاصل این ازدواج‌های عموماً ناموفق فاقد هویت در جامعه رها شده‌اند که به لحاظ نداشتن شناسنامه فرزندان حاصل از ازدواج دختران ایرانی با مردان غیرایرانی عموماً به مدرسه نمی‌روند و باسواد نمی‌شوند. بعضی از دختران حاصل این ازدواج‌ها که به سن رشد می‌رسند همانند مادران خود به ازدواج ناخواسته دیگری دست می‌زنند که دو نسل فاقد اسناد سجلی مثبته وارد اجتماع می‌شوند. باید سرنوشت این افراد را در نظر گرفت، به فرزندان حاصل ازدواج‌های گذشته حداقل شناسنامه داد تا بتوانند در دنیای پرآشوب امروزی دارای هویت باشند.

حقوق زنان

۱– از نظر شرعی، اسلام دین جهان‌شمولی است و مرز نمی‌شناسد و بالطبع قواعد و مقررات داخلی کشورها نباید مقررات کلی اسلامی را تحت‌الشعاع قرار دهد. به استناد آیه شریفه انما المومنون اخوه و یا عند اکرمکم عندالله اتقیکم مسلمانان همه برابر هستند و در موارد قواعد تابعیت نمی‌گویم که مقررات کلی آن را عوض کنید اما نیم نگاهی هم به اسلام داشته باشید. می‌دانیم که دو رویه در جهان در مورد تابعیت وجود دارد. روش خون و دیگری روشن خاک. اسلام به روش خون نزدیک است ولی روش حقوقی حاکم بر قواعد حاکم بر تابعیت در قانون مدنی به روش خون آن هم صرفاً از ناحیه مرد نظر دارد هرچند با اختصاصات قواعد تابعیت نوعی روش مختلط بر سیستم تابعیتی ما حاکم است. اینکه بپذیریم بطن و نسل از مرد منتقل می‌شود خلاف سیادت اولاد حضرت رسول است چه نسل سادات از حضرت زهرا دختر حضرت رسول منتقل شده است و امروزه همه سادات از قبل وراثت از حضرت زهرا (ع) نسب به حضرت رسول می‌رسانند.

۲–از نظر مصالح مردم: اینکه حکومت چارچوب منظمی در ورود و خروج اتباع بیگانه بنا به ملاحظات خاص زمانی نداشته و از باب شرعی و نوع دوستی کشور ایران بزرگترین مهاجرپذیر دنیا و از طرفی بزرگ‌ترین مهاجرفرست دنیا هم است آمار درستی در اختیار نداریم و از اعداد ۱ میلیون و دو میلیون مهاجر افغانی و عرب در ایران و بیشتر یاد می‌کنند. طبیعتاً گروهی از اینان که عموماً جوان بودند و به ایران آمده‌اند شرعاً ازدواج کرده‌اند و بالطبع فرزندانی دارند اعم از اینکه پدران اینان ترک زندگی خانوادگی کرده باشد و یا کماکان در ایران باشد. آیا درست است که به فرزندان ناشی از چنین ازدواجی شناسنامه داده نشود و به بهانه تابعیت مضاعف گروهی از فرزندان کشور که حداقل از مادر ایرانی به دنیا آمده‌اند را از هویت اجتماعی محروم کنیم. به هر حال مادر این فرزندان ایرانی است باید کاری کرد که حداقل فرزندان‌شان بتوانند به تابعیت مادر خود درآیند. علاوه بر آن ظاهراً نزدیک به ۵ میلیون ایرانی مهاجر داریم و تعدادی از آنها در کشورهای دیگر اعم از نسل اول یا دومی‌ها به ازدواج افراد غیرایرانی درآمده‌اند و فرزندان آنها دوست دارند به تابعیت مادر خود درآیند. نگارنده در بروکسل به جوانی برخورد کردم که پدر عرب و مادر ایرانی داشت و دوست داشت به تابعیت کشور مادر خود یعنی ایران دربیاید و افتخار می‌کرد که ایرانی است. با اینکه در خانواده فارسی صحبت نمی‌کردند ولی توانسته بود فارسی را به خوبی یاد بگیرد. اکثر نسل دومی‌ها فقط فارسی صحبت می‌کنند ولی نمی‌توانند بخوانند و بنویسند ولی این جوان با کوشش خود توانسته بود خواندن و نوشتن فارسی را یاد بگیرد و حتی به زبان فارسی شعر می‌گفت همه آرزوی او این بود که به تابعیت ایران دربیاید و بارها به سفارت ایران رجوع کرده بود. حتی نمی‌دانست که برابر ماده ۹۶۳ قانون مدنی. زوجینی که تبعه یک کشور نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین متبوع شوهر خواهد بود و وضع مادرش هم مسئله‌دار است.

*وکیل پایه یک دادگستری

خبرها

قطعنامه اتحادیه کانون‌های وکلا

شرق: در پایان ششمین همایش اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) که با میزبانی کانون وکلای دادگستری قزوین– زنجان در شهر قزوین تشکیل شد، نمایندگان کانون‌های دوازده‌گانه وکلای دادگستری ایران ضمن بررسی مسائل و مشکلات وکالت و وکلا و اتخاذ تصمیم نسبت به آنها دیدگاه‌های اتحادیه را درخصوص مسائل کلان اعلام کردند. اتحادیه وکلا با توصیه رعایت احتیاط فراوان در حفظ و حراست آثار تاریخی و فرهنگی ایرانبه مسئولین امر ناخشنودی خود را از توسعه و تضییق محدوده قوانین، با صدور دستورالعمل و بخشنامه و مانند اینها اعلام و ابراز امیدواری کرده است که این گونه اقدامات خاتمه یابد. همچنین اتحادیه کانون‌های وکلا نگرانی عمیق خود را از ادامه اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، به شکل برگزاری آزمون و اقداماتی که در این راستا صورت می‌گیرد – به‌رغم انقضای مدت اجرای قانون در پایان سال ۱۳۸۳ و به‌رغم حذف ردیف بودجه اجرایی آن – ابراز و خروج از محدوده قانون و مقررات را از جانب هیچ‌کس و هیچ شخصی قابل پذیرش نمی‌داند. در ادامه این قطعنامه، اتحادیه بار دیگر نگرانی و اعتراض خود را از برخوردهای خارج از ضوابط ماده ۱۷ لایحه استقلال کانون وکلا با برخی وکلای دادگستری اعلام می‌نماید و ابراز امیدواری کرده است که مقامات قضایی موجبات برخورداری وکلای دادگستری ایران را از حقوقی که ضوابط بین‌المللی و داخلی، در موضع دفاع، برای ایشان پیش‌بینی کرده است، فراهم کنند. اتحادیه وکلا اعتراض و نگرانی عمیق خود را از دخالت افراد و اشخاصی غیر از دادگاه عالی انتظامی قضات در بررسی و تایید صلاحیت داوطلبان عضویت در هیات‌های مدیره کانون‌های وکلا اعلام کرده و همگان را به اطاعت از قانون فراخوانده است.

ساماندهی گزارش‌های پلیس به دادگستری

ایسنا: جلسات مشترکی با هدف ایجاد وحدت رویه در گزارش‌های ارسالی از کلانتری‌ها و نیروی انتظامی به مراجع قضایی و همچنین قضایی شدن این گزارش‌ها، بین دادستانی تهران و نیروی انتظامی برگزار شد. محمود سالارکیا، معاون دادستان تهران با بیان این مطلب گفت: «این جلسات برای یکپارچه کردن و ساماندهی گزارش‌های کلانتری‌ها و نیروی انتظامی به دستگاه قضایی برگزار می‌شود که در صورت اجرایی شدن دستورالعمل این جلسات، از اطاله دادرسی جلوگیری می‌شود.» سالارکیا با بیان اینکه گزارش اولیه مراجع انتظامی پایه اصلی تشکیل پرونده است و باید به گونه‌ای تنظیم شود که قابل استفاده بهینه باشد، اظهار داشت: براساس تصمیمات اخذ شده در این جلسات مشترک، واحدهای قضایی مستقر در کلانتری‌ها باید از نیروهای آشنا به امور قضایی باشند و به عنوان بازرس در آنجا فعالیت کنند و تمام دستورات قضایی به صورت یکنواخت از ناحیه این افراد تنظیم شود.» سالارکیا با بیان اینکه این جلسات مشترک مستمر است و ادامه خواهد داشت، اظهار داشت که تصمیماتی که در این جلسات گرفته شده به صورت آزمایشی در یکی دو منطقه اجرایی شده و قطعاً پس از اخذ نتایج مثبت از این مسئله این تصمیمات به عنوان دستورالعمل به تمام مراکز نیروی انتظامی و مراجع قضایی ابلاغ می‌شود.